

مؤلفه‌های اساسی گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی

* زاهد غفاری هاشجین

** عباس کشاورز شکری

*** موسی افضلیان سلامی

چکیده

مؤلفه‌های اساسی گفتمان ایثار و شهادت در فرآیند انقلاب اسلامی کدامند؟ برای پاسخ به این سؤال و به‌منظور شناسایی و تحلیل توصیفی مؤلفه‌های اساسی گفتمان ایثار و شهادت از روش تحلیل گفتمان بهره گرفته شده است. چارچوب نظری این مقاله و مبنای بررسی مؤلفه‌ها، نظریه‌های گفتمانی «وسنو» و «دایک» است. بر این اساس مؤلفه‌های اساسی گفتمان ایثار و شهادت از دیدگاه وسنو و دایک، یعنی تولیدکنندگان، موضوع، مخاطبان، منابع تولید و کنش‌های پیشنهادی، در فرآیند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی

گفتمان، ایثار و شهادت، تولیدکنندگان گفتمان، مخاطبان گفتمان، منابع تولید گفتمان، انقلاب اسلامی و امام خمینی علیه السلام.

Ghafari@shahed.ac.ir

Keshavarz@shahed.ac.ir

Salami_2000@yahoo.com

پذیرش نهایی: 89/10/14

*. استادیار دانشگاه شاهد

**. استادیار دانشگاه شاهد

***. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: 89/8/1

مقدمه

زمینه‌های شکل‌گیری گفتمان ایثار و شهادت به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی جهاد و مبارزه علیه باطل، به‌صدر اسلام و شاید هم‌زمان با تولد اسلام بازگردد. اما این گفتمان در زمان‌هایی بازتولید و بازسازی شده است. اگر ابتدای شکل‌گیری آن را از زمان درخشش اسلام و جنگ‌های پیامبر ﷺ و بعد از آن جنگ‌های حضرت علی علیه السلام بدانیم، نقطه اوج و تاریخی‌ترین لحظات این گفتمان نیز، عاشورای سال 61 هجری است که این گفتمان رسمیت‌یافت و نهادینه‌شد و بعد از آن در عاشورای هر سال، بستر استمرار آن فراهم گشت. از آن زمان به‌بعد، این گفتمان فرودی طولانی داشت ولی دوباره جرقه‌هایی از آن در انقلاب مشروطیت روشن شد و پس از وقفه‌ای نسبتاً طولانی، در نهایت در خرداد سال 1342 شمسی (در تاریخ ایران معاصر و تاریخ تشیع) اوج گرفت. این گفتمان در نهایت پس از یک وقفه کوتاه 15 ساله، دوباره در انقلاب اسلامی بازتولید شد و تاکنون نیز ادامه داشته است.

در این مقاله با در نظر گرفتن گفتمان ایثار و شهادت به‌عنوان عاملی مؤثر در شکل‌گیری و تسریع بسیج سیاسی مردم علیه رژیم پهلوی و عاملی مؤثر در پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی، مؤلفه‌های اساسی این گفتمان در فرآیند انقلاب اسلامی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. سؤال اصلی این مقاله آن است که مؤلفه‌های اساسی گفتمان ایثار و شهادت در جریان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی کدامند؟ این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی است که در مقام توصیف موضوع مورد مطالعه از روش تحلیل گفتمان استفاده می‌کند. برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها، به اسناد و متون تاریخی در دسترس، باهدف روشن‌ساختن ابعاد و مؤلفه‌های مختلف گفتمان مورد نظر مراجعه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مبانی نظری تحلیل گفتمان

گفتمان به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، دارای خصلت زمانمند و تاریخ‌دار بوده و در وجه

خودآگاه آن، با به‌کارگیری زبان مرسوم و نیروهای اجتماعی حاضر در یک صحنه تاریخی و اجتماعی، می‌کوشد تا ضمن رساندن اندیشه‌ها و تبلیغ ایده‌ها و اثر گذاشتن بر رفتار و ذهنیت دیگران، تغییرات را به‌نحوی مدیریت کند. (حقدار، گفتمان فرهنگی خاتمی: 11 - 17) منظور از گفتمان ایثار و شهادت پدیده‌ای اجتماعی و تاریخی است که با به‌کارگیری زبان مرسوم، اجرای مراسم و نیروهای اجتماعی حاضر در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی با تبلیغ و انتقال ایده و اندیشه ایثارگری بر رفتار و ذهنیت انقلابیون اثر گذاشته است.

مبانی نظری این مقاله بر نظریات گفتمان «ون‌دایک» و «روبرت و سنو» استوار است که به‌اختصار به توضیح هر کدام پرداخته می‌شود. به‌اعتقاد «ون‌دایک» گفتمان، شکلی از کاربرد زبان است که همچون یک تعامل یا رخداد ارتباطی در یک موقعیت اجتماعی به‌وقوع پیوسته و به‌مردم در انتقال اندیشه‌ها، باورها و احساساتشان کمک می‌کند. او وظیفه یا هدف اصلی مطالعه گفتمان را فراهم‌آوردن توصیف یکپارچه از این سه بعد اصلی گفتمان دانسته و معتقد است گفتمان‌کاران برای ارائه یک توصیف منسجم از این سه بعد باید این سؤال‌ها را مورد توجه قرار دهند:

1. چه کسانی سخن می‌گویند؟

2. درباره چه سخن می‌گویند؟

3. با چه کسانی سخن می‌گویند؟

4. چگونه سخن می‌گویند؟

5. چرا سخن می‌گویند؟

ون‌دایک معتقد است هر گفتمان دارای تولیدکننده (چه کسانی سخن می‌گویند؟)، موضوع (درباره چه سخن می‌گویند؟)، مخاطبان (با چه کسانی سخن می‌گویند؟) و شیوه به‌کارگیری زبان است (چگونه سخن می‌گویند؟) و تولیدکنندگان گفتمان، برای سخن‌گفتن خود دلیل دارند (چرا سخن می‌گویند؟).

شیوه سخن گفتن، می تواند ناظر به موارد مختلفی نظیر شیوه استدلال، ابزار و امکانات مورد استفاده تولیدکنندگان گفتمان، طرد و حاشیه رانی، تحریک کردن و ... باشد. (ون دایک، مطالعاتی در تحلیل گفتمان: 10 - 22) «وسنو» نیز با نقد دریافت کلاسیک از گفتمان، رویکرد عینی نسبت به گفتمان را در مطالعات خود مطرح می کند. در دیدگاه وسنو، به جای اینکه گفته شود گفتمان، مرکب از عادات ذهنی درونی شده یا جهت گیری های ارزشی عام است، به گفتمان به عنوان پدیده ای که در درون نمادهای همگانی و قابل مشاهده تجسم یافته است، نگریسته می شود. از این گذشته، نمادهای مزبور، نمادهایی ایستا و فاقد صفات انسانی نیستند بلکه نمادها در جریان کنش انسانی خلق می شوند. مفهوم کنش، مفهومی کلیدی است و بیان گر این نکته است که گفتمان تولید می شود. در واقع، گفتمان در نتیجه مجموعه ای از کنش های انسانی تولید و بیان می شود و به روابط افراد و جوامع شکل می بخشد.

به اعتقاد وسنو، اگر پذیرفته شود که گفتمان همان محصول فرهنگی است که در نتیجه فعالیت کنشگر انسانی و درون نهادهای فرهنگی تولید می شود، باید به این مسئله توجه کند که پدید آمدن گفتمان، نیازمند وجود تولیدکننده است. پس یک نظریه پرداز گفتمان، باید در نظریه خود به نقش کنش های دخیل در تولید گفتمان توجه کند (چه کسانی سخن می گویند؟).

از نظر وسنو، تولیدکنندگان گفتمان برای بیان اندیشه های خود از ژانرهای گفتمانی مختلفی استفاده می کنند. این ژانرها می توانند بر اساس محیط اجتماعی که در آن حضور دارند انتخاب شوند. ژانرهای گفتمانی متفاوت از قبیل: موعظه، مقاله، کتاب، پژوهش دانشگاهی، بحث و گفتگو، میتینگ، کلاس درس، رساله فلسفی، نامه، رساله تفسیری، رمان، شعر، داستان و غیره که مبتنی بر شیوه روایت پردازی، استدلال آوری و شیوه های بازنمایی مختلف هستند. (3-24 : wuthnow, communities of ...)

از این رو، متفکر با بهره گرفتن از هر یک از این کنش های گفتمانی (که محیط اجتماعی در اختیار وی قرار می دهد) به نحوی، فرم و محتوای اندیشه خود را در مسیر

خاصی سوق می‌دهد. با توجه به کثرت ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مختلف، محقق باید روشن سازد که به‌هنگام جستجو در تاریخ یک‌گفتمان در پی شناخت کدام‌یک از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن است. او می‌خواهد تولیدگران یک گفتمان را شناسایی کند، در پی شناخت مخاطبان یک گفتمان است، یا سعی در شناخت ارتباط یک گفتمان با گفتمان‌های رقیبش دارد؟ این مقاله سعی می‌کند از میان مؤلفه‌های مختلفی که وسنو و ون‌دایک معرفی می‌کنند، به‌سؤال‌های مرتبط با تولیدکنندگان، موضوع، مخاطبان، منابع تولید و کنش‌های گفتمان ایثار و شهادت در فرآیند انقلاب اسلامی پاسخ دهد.

تولیدکنندگان و موضوع گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی

1. امام خمینی علیه‌السلام

بدون شک امام خمینی علیه‌السلام اصلی‌ترین شخصیت تولیدکننده گفتمان ایثار و شهادت است. تا قبل از تولید این گفتمان از سوی ایشان، شهادت، مربوط به عصر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام بود و این‌دو مفاهیمی بودند که از دسترس عامه مردم خارج بودند. امام علیه‌السلام با ساختن گفتمان ایثار و شهادت، این مفاهیم را امروزی کردند و در دسترس عموم قرار دادند. با تولید گفتمان ایثار و شهادت از سوی ایشان، اکنون و در زمان حاضر، هرکس می‌تواند در راه خدا قیام کند و به فیض شهادت برسد. دیگر، مفهوم شهادت مربوط به صدر اسلام نبود، بلکه در گفتمان جدید دوباره بازسازی و بازتولید شده بود. در گفتمان امام علیه‌السلام، شاه، یزید زمان و انقلابیون، اصحاب امام حسین علیه‌السلام محسوب می‌شدند و همانگونه که یاران امام حسین علیه‌السلام در راه خدا ایثار کردند و به شهادت رسیدند، یاران انقلاب اسلامی نیز می‌توانستند در راه خدا از جان و مال خویش بگذرند و به مقام شهود خداوندی نایل آیند.

حالا ما ببینیم چه کرده است که حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام در مقابلش قیام کردند و همچو مطلبی را فرموده‌اند و برنامه داده‌اند. حضرت سیدالشهداء مطلبی را که فرموده‌اند، این مال همه است. یک مطلبی است عمومی: من رأی، هر که ببیند، هر

کسی ببیند یک سلطان جائری این طور اتصاف به این امور را دارد و در مقابلش ساکت بنشیند، نه حرف بزند و نه عملی انجام بدهد، این آدم جایش جای همان سلطان جائر است. یزید یک آدمی بود که به حساب ظاهر متشبث به اسلام بود و خودش را خلیفه پیغمبر حساب می کرد و نماز هم می خواند و همه این کارهایی که ماها می کنیم آن هم می کرد؛ اما چه می کرد؟ اما از آن طرف معصیت کار بود؛ مخالف سنت رسول الله می کرد. رسول الله سنتش این است که باید با مردم چه جور عمل بکنند، او خلافش عمل می کرد؛ باید حفظ دماء مسلمین بشود، او دماء مسلمین را می ریخت؛ باید مال مسلمین هدر نرود، او هدر می داد مال مسلمین را. همین شیوه ای که پدرش معاویه هم داشت و امیرالمؤمنین هم قیام کرد در مقابل او. منتها حضرت امیر لشکر هم داشت ولی سیدالشهداء عدد خیلی کمی [داشت] در مقابل یک ابرقدرت.

ما می بینیم که این کارهایی که او کرده است، به این حکام وقت ما و به سلطان وقت ما تطبیق می شود؟ این مسائلی که رسول الله فرموده است، اینها تطبیق می شود بر این؟ سلطان است؟ جائر است؟ اینها معلوم که الآن سلطه دارد؛ «سلطان» یعنی سلطه. الآن سلطه دارد و جائر هم هست. خودش هم شاید قبول داشته باشد که جائر است. همه کس هم می داند که این آدم جائر است. خوب، مخالفت سنت رسول الله را نکرده؟ هر چه رسول الله فرموده است، ایشان عمل کرده؟ یا احوال رسول الله را به حساب نمی آورند اینها؟ اینها سنت رسول الله را به حساب نمی آورند؟ بله، در ایام عمرش برای اینکه من و شما را بازی بدهد، یک دفعه هم می رود به حرم حضرت رضا و آنجا یک - دو رکعت نماز هم می خواند! من هم نمی دانم با چه حالی می خواند! یک - دو رکعت نمازی هم آنجا می خواند و یک حرفهایی هم آنجا می زند و این چیزها. این برای اغفال من و شماست. آیا به سنت رسول الله عامل است؟ ایشان عامل سنت رسول الله هست؟ سنت رسول الله این است که دماء مسلمین محفوظ باشد، ایشان حفظ کرده است دماء مسلمین را؟ (امام خمینی، صحیفه نور، ج 5، 195)

همچنین امام خمینی علیه السلام در گفتمان خویش، شاه را به عنوان فرعون بازسازی می کند

و به این ترتیب «لزوم قیام علیه او و دستگاه حاکمیتش»، ساخته و پرداخته می شود:

ملت ایران چند تا مطلب خواست که اولیش این بود که این شخص نباشد؛ بلکه این سلسله نباشد. اینها تشبیهاتی کردند که بسیارش را من ذکر کرده ام. من جمله از تشبیهاتی که کرد، شبیه آن تشبیهی بود که فرعون کرد. فرعون بعد از اینکه عذاب نازل شد و غرق را دید که الآن دارد غرق می شود، آن وقت گفت که من هم آن طوری که بنی اسرائیل می گویند من هم به همان ایمان آوردم. جواب

بود که حالا دیگر ایمان آوردی؟! تو قبلاً معصیت کردی آلانَ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ و کُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ. ایشان [محمد رضا شاه] هم بعد از اینکه بیست و چند سال، بیست و هفت سال خیانت‌ها را کرد و جنایت‌ها را کرد، آن وقت که عذاب نازل شد، عذاب عبارت از همین مشتهای گره کرده ملت ایران و فریادهای ملت ایران که من عرض کردم که این یک مسئله الهی بود نه یک مسئله بشری

حالا که غرق را دیده ... حالا در مقابل ملت می‌ایستد و اظهار ندامت می‌کند، می‌گوید که من تا حالا اشتباه کردم و حالا دیگر از این به بعد این اشتباهات نمی‌شود. خطاب به مراجع عظام و علمای اعلام که بیایید من دیگر توبه کردم! و شما بیایید نجات بدهید! حاصل حرفش این است که نجات بدهید من را! «نجات بدهید وطن را»، مقصودش خودش هست! در مقابل ملت هم باز همین امر را تکرار کرده است. به طبقات مختلف، به جوانها، به اینها. و آخرش هم می‌گوید که بیایید یک فکری بکنیم برای وطن! ما خوب است به وطنمان فکر بکنیم! این شبیه همان مسئله فرعون است با یک اختلاف؛ فرعون بعد از اینکه دید که حالا دیگر دارد غرق می‌شود گفت که اَمَنْتُ اَنْهُ لَا اِلَهَ اِلَّا الَّذِي اَمَنْتُ بِهِ تَوَّابًا اسْرَائِيلَ. (همان: 83)

به این ترتیب امام خمینی علیه السلام در عصر حاضر، گفتمان ایثار و شهادت را بازتولید و عناصر و مؤلفه‌های آن را بازتفسیر کردند. در این راستا صورت‌بندی امام خمینی علیه السلام از مفهوم شهادت و ایثار حائز اهمیت است. امام، شهادت را هدیه‌ای از سوی خداوند برای انسان‌ها در هر زمان و هر مکانی می‌دانستند و معتقدند بودند که این هدیه «از جانب خدای تبارک و تعالی برای آن کسانی [است] که لایق هستند». (همان، ج 10: 440)

ایشان در این رابطه در توصیف مقام شهید و اینکه خداوند این مقام را به انسان‌های لایق می‌دهد، می‌گوید:

از شهیدان ارجمندی که خداوند تعالی در شأن آنان کلمه بزرگ «أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» را فرموده است، بشری قاصر مثل من چه تواند گفت. آیا باریافتن نزد خداوند و ضیافت مقام ربوبی از آنان را می‌توان با قلم و بیان و گفت‌و شنود توضیح داد؟ آیا این همان مقام «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» نیست که حدیث شریف بر سید شهیدان و سرور مظلومان منطبق نموده است؟ آیا این جنت همان است که مؤمنان در آن راه دارند، یا لطیفه الهی آن است؟ آیا این باریافتن و ارتزاق نزد رب‌الارباب همان معنی بشری آن است، یا رمزی الهی و والاتر و فوق برداشت

بشر خاکی؟ بارالها، این چه سعادت عظیمی است که نصیب بندگان خاص خود فرمودی که ما از آن محرومیم. اکنون من به مادران و پدران مربی این بندگان خاص خدا و همسران و بازماندگان این عزیزان به جای تسلیت، تبریک عرض می‌کنم. «یا لَیْسَنی کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِیماً». و السلام علی عباد الله الصالحین. (همان، ج 17: 135)

به این ترتیب امام، در مقام تولیدکننده گفتمان ایثار و شهادت به توضیح مفهوم شهادت و مقام آن می‌پردازد و البته از آن به عنوان میراث اولیا یاد می‌کند. به همین دلیل، شهادت، مختص زمان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیست. امام علیه السلام، گفتمان شهادت را به صورت مفهومی روزآمد بازسازی و بازتولید کردند، به طوری که تنها راه عزت و پیروزی مسلمانان، در عصر حاکمیت مستکبران، «ایثار و فداکاری و شهادت در راه خدا» است. همان طور که حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به تنهایی و یا دوتایی (حضرت موسی و برادرش) قیام کردند و از قدرتها و مستکبران نهرا سیدند، وظیفه همه مردم نیز، قیام است. امام خمینی علیه السلام در تولید گفتمان خود، ایثار و شهادت را به مفهومی اجتماعی ارتقا می‌دهند، یعنی همه افراد چه تنها و چه به هیئت جمع - که از دو شروع می‌شود - وظیفه دارند در برابر سلطان جائر قیام کنند:

«قُلْ اِنَّمَا اعْطَیْتُكُمْ بِوَاحِدَةٍ اَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَی و فُرَادِی»، خدای تبارک و تعالی در این آیه می‌فرماید که یک موعظه، فقط من یک موعظه به شما می‌کنم - یک موعظه‌ای که واعظش خداست و آورنده موعظه پیغمبر اکرم است و می‌فرماید فقط یک موعظه است، این موعظه باید اهمیتش خیلی زیاد باشد که با این تعبیر می‌فرماید. آن موعظه این است که «ان تقوموا لله مثنی و فرادی»؛ اینکه قیام کنید برای خدا، برای اقامه حق قیام کنید. لازم نیست که اول یک اجتماعاتی باشد، «ثم» انسان بعد از اجتماعات قیامی کند. یکی یکی هم این تکلیف هست - «مثنی و فرادی» - «فرادی» هم هست، دوتا دوتا هم هست؛ این دیگر اقل جمعش است. یعنی تنهایی تکلیف به قیام لله هست، و «اجتماعی» هم که اقلش دوتاست ...

مردهای تاریخ بسیاریشان تنها ایستادند در مقابل قدرتها. حضرت ابراهیم تنهایی ایستاد و بتها را شکست؛ که وقتی آمدند گفتند که یک کسی به او - ابراهیم -

می‌گفتند این کار را باید کرده باشد. تنهایی قیام کرد در مقابل بت‌پرستها و در مقابل شیطان وقت، و از تنهایی نترسید برای اینکه این قیام، قیام لله بود، برای خدا بود ... حضرت موسی یک شبانی بود. شبان حضرت شعیب بود مدتها و تنهایی مأمور شد که برود و قیام کند. منتها ایشان یک توقعی از خدای تبارک و تعالی کرد که برادرم هم باشد. آن وقت شد «مثنی». اول خودش بود قیام کرد، بعد برادرش هم همراهش شد؛ شدند دو نفر. اما در مقابل چه دستگاهی؟ در مقابل دستگاه فرعون که الآن هم آثارشان در مصر و آنجاها، در قاهره و مصر و آنجاها هست. آن آثار عجیب و غریبشان. ایستاد در مقابلشان تنهایی ... پیغمبر اکرم ﷺ از اول که قیام کرد، تنها - تنها قیام کرد و دعوت کرد مردم را. قومه را دعوت کرد به حق تعالی و به توحید و هیچ‌کس همراهش نبود. تنهایی قیام کرد اول هم. مثلاً زنی که در منزل بود - حضرت خدیجه - به‌او ایمان آورد و حضرت امیر که بچه‌ای بود آن وقت ایمان آورد. (همان، ج: 4، 108 و 109)

امام ﷺ، ضمن اشاره به فرهنگ ایثار و شهادت به‌عنوان نقطه تمایز مکاتب غربی و الحادی با مکتب ناب اسلام، سعی در بازسازی مفهوم هویت اسلامی می‌کنند و در دل و روح مسلمانان، روح هویتی جدیدی را می‌دمند. ارتباط مفهوم هویت با مفاهیم ایثار و شهادت در گفتمان امام از همین‌جا پدیدار می‌شود. بدون ایثار و شهادت، رهایی از سیطره استعمارگران و مستکبران حاصل نمی‌شود.

ملت ما و قوای مسلح جمهوری اسلامی در این دو سال امتحان خود را داده‌اند که به‌هیچ‌وجه حاضر نیستند آنچه را با چنگ و دندان به‌دست آورده‌اند از دست بدهند؛ اگرچه با نثار جان و فرزندان عزیزشان باشد. شما خانواده‌های شهدا و معلولین و مجروحین نشان دادید که هرگز اجازه نمی‌دهید استعمار بر مقدرات این کشور سایه افکند. شما خانواده‌های شهدا با شهادت افتخارآفرینان این مرز و بوم به جهان فهمانیدید که از همه عزیزان در راه اسلام خواهید گذشت. شما چشم و چراغ این ملتید، خداوند یارتان باد. شما با ایثار فرزندان و جوانان و عزیزان خویش به‌همه نشان دادید که توطئه‌های داخل و خارج نخواهد توانست بر این ملت مصمم پیروز شود. (همان، ج: 14، 79)

در گفتمان امام خمینی ﷺ رمز استقلال کشور از ابرقدرت‌های شرق و غرب، ایثار و شهادت است. در این گفتمان، ملت با پشتوانه الهی قیام می‌کنند و با اتکال به قدرت

لایتناهی خداوند متعال در مقابل قدرت‌های مادی غرب و شرق می‌ایستند، ایثار می‌کنند و شهید می‌شوند تا استقلال خود را از شرق و غرب به‌دست آورند:

این یک مسئله الهی بود نه یک مسئله بشری، اینکه همه ایران در مقابل این قدرتی که اینها دارند بلکه در مقابل همه قدرتها ایستاد و با دست خالی مشت‌ها را گره کردند و نه به حکومت نظامی و نه به دولت نظامی و نه به پشتیبانیهای آمریکا و شوروی اعتنا نکردند و همه باهم در همه ابعاد کشور فریاد زدند که ما نمی‌خواهیم، مرگ بر این شاه! مرگ بر این سلسله. (همان، ج: 5: 83)

البته یک ملتی که می‌خواهد در مقابل همه قدرتها بایستد، نمی‌خواهد سازش کند با بلوک غرب و نمی‌خواهد سازش کند با بلوک شرق و «لا شرقیة و [لا] غربیة» می‌خواهد باقی بماند، می‌خواهد صراط مستقیم انسانیت و اسلامیت را پیش بگیرد، باید مهیا بشود از برای اینکه همه پیشامدهایی که پیش آمده است و پیش خواهد آمد [شهادت و ایثار].

ما نباید گمان بکنیم که پیشامدها تمام شد. ما دست این ابرقدرتها را از مخازن خودمان و تسلطشان را از کشور خودمان کوتاه کرده‌ایم و آنها ساکت نمی‌نشینند. و ما باید توجه داشته باشیم و با کمال قدرت، اتکال به یک قدرت غیر متناهی - و آن قدرت الهی است - [داشته باشیم]. (همان، ج: 15: 7)

با رهایی از سلطه استعمار خارجی، هویت جدید و مستقل اسلامی شکل می‌گیرد و با رهایی از سلطه مستکبران داخلی، آزادی معنا و مفهوم می‌یابد. به این ترتیب، ایثار و شهادت هسته مرکزی گفتمان و مفاهیم هویت، استقلال و آزادی، سایر مؤلفه‌های گفتمانی هستند که با دومؤلفه ایثار و شهادت قوام می‌یابند. استقلال و آزادی، دوهدف کلیدی ایثارگران انقلاب اسلامی است: «مردمی که قیام کرده‌اند و بچه‌هایشان را، جوان‌هایشان را دارند فدا می‌کنند برای آزادی، برای استقلال، برای اسلام [و] برای حکومت عدل» (همان، ج: 5: 108) به‌پا خواسته‌اند.

2. شهید مطهری

شهید مطهری در راستای خط فکری امام خمینی علیه السلام به شرح و بسط گفتمان ایثار و شهادت پرداخته و آن را پربرتر ساخته است. شهید مطهری در جهت بسط گفتمان ایثار و شهادت به توضیح و تشریح مفهوم شهادت می‌پردازد و می‌گوید:

شهادت دو رکن دارد: یکی اینکه در راه خدا و فی سبیل‌الله باشد، هدف مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر اینکه آگاهانه صورت گرفته باشد. ... شهادت به حکم اینکه عملی آگاهانه و اختیاری است و در راه هدفی مقدس و از هر گونه انگیزه خودگرایانه منزّه و میراست تحسین‌انگیز و افتخارآمیز است و عملی قهرمانانه تلقی می‌شود. میان انواع مرگ‌ومیرها تنها این نوع از مرگ است که از حیات و زندگی برتر و مقدستر و عظیم‌تر و فخم‌تر است. (مطهری، قیام و انقلاب مهدی ... : 70 - 72)

شهید مطهری، صرفاً به جنبه‌های فردی شهادت توجه نمی‌کند، بلکه ایشان به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان گفتمان، می‌کوشد تا جنبه‌های اجتماعی شهادت و ارتباط شهید و جامعه را نیز بررسی کند. در واقع شهادت از نظر اجتماعی، یعنی از نظر تعلق به جامعه، پدیده‌ایست که در زمینه‌ای اجتماعی روی می‌دهد و جامعه از آن متأثر می‌شود. (همان: 98 - 100) شهدا مردم جامعه را از ظلمات گمراهی نجات داده و بر شاه‌راه روشن هدایت رسانده‌اند. خون شهدا عامل تحرک و زندگی در اجتماع است و از خمودگی و خواب‌آلودگی اجتماع جلوگیری می‌کند. خون شهید بر زمین نمی‌ریزد، هر قطره از خون شهید، به صدها و هزاران قطره و بلکه به‌دریایی از خون تبدیل و در پیکر اجتماع وارد می‌شود. شهادت، تزریق خون به پیکر اجتماع است. این شهدا هستند که به پیکر اجتماع و در رگ‌های اجتماع - خاصه اجتماعاتی که دچار کم‌خونی هستند، خون جدید وارد می‌کند. (همان: 87 و 88) به این ترتیب، شهید مطهری در ادامه خط فکری امام‌زادگان^(ع)، جنبه‌های اجتماعی و رهایی‌بخش گفتمان ایثار و شهادت را مطرح ساخته و شرح و بسط می‌دهد.

3. دکتر شریعتی

دکتر علی شریعتی از روشنفکران مذهبی معاصر است که عده‌ای او را به سبب نوشته‌ها و تحلیل‌هایش در باره شهادت، معلم شهادت خوانده‌اند. دکتر شریعتی بر جنبه‌هایی رهایی‌بخش و بیدارساز گفتمان ایثار و شهادت که از آن قیام و انقلاب برمی‌خاست و ایجاد انگیزه و حرکت می‌کرد، تأکید داشت. از نظر دکتر شریعتی شهادت‌طلبی، فقط یک پدیده سیاسی و نظامی که در ارتباط با قدرت و ارتش باشد، نیست. او شهادت را یک

حادثه نمی‌داند، بلکه یک فلسفه وجودی می‌داند که یکی از ابعاد آن، جنبه وجودی است. شهادت یک مکتب و ایدئولوژی است که به منظور تضمین سلامت حیات و حرکت و ایمان و عزت و آینده و تاریخ صورت می‌گیرد، لذا شهادت یک «هدف و حکم مستقل» است. (شاعری، جامعه‌شناسی شهادت‌طلبی و ... : 117)

شهادت در یک کلمه، در فرهنگ ما، یک درجه است؛ وسیله نیست، خود هدف است؛ اصالت است خود یک تکامل، یک‌علو است. خود مسئولیتی بزرگ است؛ خود یک راه نیم‌بر به طرف صعود به قله معراج بشریت است و یک فرهنگ است. (شریعتی، حسین وارث آدم و ... : 129)

دیدگاه دکتر شریعتی در ساخت و تکمیل گفتمان ایثار و شهادت راهگشا و کاربردی بود و توانست منشأ بسیج سیاسی قشرهایی از مردم، به‌ویژه جوانان و دانشجویان شود. در واقع، تکمیل توده‌های جوان و دانشجو با تحت تأثیر قرار گرفتن ادبیات انقلابی شریعتی، شاه و دژخیمان او را یزید زمان فرض کرده و شروع به مخالفت و اقدام‌های انقلابی، علیه حاکمیت وقت کردند. لذا دکتر شریعتی نیز از شارحین و تولیدکنندگان اصلی گفتمان انقلابی ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی است.

مخاطبان گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی

مخاطبان، افرادی هستند که گفتمان ایثار و شهادت برای آنها ارائه و تولید می‌شود. در باره مخاطبان گفتمان، مواردی همچون اندازه و ترکیب اجتماعی آنها قابل بررسی است. در این قسمت از پژوهش، ما با استفاده از داده‌های تاریخی موجود به معرفی مخاطبان گفتمان ایثار و شهادت در فرایند انقلاب اسلامی می‌پردازیم. براین اساس می‌توان مخاطبان گفتمان ایثار و شهادت را به چهار دسته اصلی تقسیم کرد: 1. حوزویان، 2. دانشگاهیان، 3. بازاریان 4. توده‌های مردمی.

1. حوزویان

مطابق نظریه «ون دایک»، یکی از مؤلفه‌های اساسی هر گفتمان، مخاطبان گفتمان است. گفتمان‌ها در خلأ شکل نمی‌گیرند بلکه در یک فضای تعاملی، ساخته و پرداخته می‌شوند. گفتمان ایثار و شهادت نیز به تدریج و طی فرایند تکاملی انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی علیه السلام و در یک‌روند تعاملی با مخاطبان آن شکل گرفت. امام خمینی علیه السلام در پیام‌های خود، بارها و بارها علما و روحانیون را مورد خطاب قرار داده و آنان را به ایثار و مجاهدت و قیام در راه خدا فرا می‌خواند:

هان ای روحانیین اسلامی! ای علمای ربانی! ای دانشمندان دیندار! ای گویندگان آیین دوست! ای دینداران خداخواه! ای خداخواهان حق‌پرست! ای حق‌پرستان شرافتمند! ای شرافتمندان وطنخواه! ای وطنخواهان با ناموس! موعظت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی را که پیشنهاد فرموده بپذیرید و ترک نفعهای شخصی کرده تا به همه سعادت‌های دو جهان نایل شوید و با زندگانی شرافتمندانه دو عالم دست در آغوش شوید. «ان لله فی ایام دهرکم نجاتاً الا فتعرضوا لها»؛ امروز روزی است که نسیم روحانی الهی وزیدن گرفته و برای قیام اصلاحی بهترین روز است، اگر مجال را از دست بدهید و قیام برای خدا نکنید و مراسم دینی را عودت ندهید، فرداست که مشتی هرزه‌گرد شهوت‌ران بر شما چیره شوند و تمام آیین و شرف شما را دستخوش اغراض باطله خود کنند. امروز شماها در پیشگاه خدای عالم چه عذری دارید؟ همه دیدید کتابهای یک نفر تبریزی بی‌سروپا را که تمام آیین شماها را دستخوش ناسزا کرد و در مرکز تشیع به امام صادق و امام غایب - روحی له الفداء - آن همه جسارت‌ها کرد و هیچ کلمه از شماها صادر نشد. امروز چه عذری در محکمه خدا دارید؟ (امام خمینی، همان، ج: 1، 22)

امام علیه السلام در فرازهای مذکور، صراحتاً روحانیان را به جهاد و قیام اصلاحی در راه خدا دعوت می‌کنند و می‌فرمایند اگر امروز فرصت را از دست بدهید و قیام نکنید، فردا مشتی هرزه‌گرد بر شما چیره می‌شوند. ایشان در بیاناتی در دوم فروردین سال 1342 بعد از حمله مأموران رژیم شاهنشاهی به فیضیه قم، در جمع روحانیون و طلاب، آنان را خطاب قرار می‌دهند و می‌گویند:

ناراحت و نگران نشوید، مضطرب نگردید، ترس و هراس را از خود دور کنید. شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصایب و فجایع صبر و استقامت کردند. که آنچه ما امروز می‌بینیم نسبت به آن چیزی نیست. پیشوایان بزرگوار ما، حوادثی چون روز عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشته‌اند و در راه دین خدا یک چنان مصایبی را تحمل کرده‌اند. شما امروز چه می‌گویید؟ از چه می‌ترسید؟ برای چه مضطربید؟ ... بزرگان اسلام ما، در راه حفظ اسلام و احکام قرآن کریم کشته شدند، زندان رفتند، فداکاریها کردند تا توانستند اسلام را تا به امروز حفظ کنند و به دست ما برسانند. امروز وظیفه ماست که در برابر خطراتی که متوجه اسلام و مسلمین می‌باشد، برای تحمل هر گونه ناملایمات آماده باشیم تا بتوانیم دست خائنین به اسلام را قطع نماییم و جلو اغراض و مطامع آنها را بگیریم (همان: 166)

ایشان حادثه حمله مأموران شاه را با حادثه عاشورا مقایسه کرده و روحانیون را به ایستادگی و صبر و مجاهدت و قیام و شهادت در راه خدا فرا می‌خوانند. به این ترتیب در گفتمان ایثار و شهادت امام علیه السلام، روحانیون به مقام یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و امام حسین علیه السلام نایل می‌آیند و باید مانند آنان از جهاد در راه خدا و ایثار و شهادت نهراسند و در مقابل زورگویان و مستکبران مقاومت و ایستادگی کنند.

باتوجه به حضور مستمر و همیشگی روحانیت در فرآیند انقلاب اسلامی و عنصر بسیج‌کنندگی آنان، این گروه به عنوان یکی از گروه‌های اصلی مخاطب گفتمان ایثار و شهادت مطرح بودند و امام خمینی علیه السلام با خطاب قراردادن آنها سعی در بسیج انقلابی مردم داشتند. ایشان می‌دانستند که در جنبش‌های اجتماعی ایران، روحانیان همواره نقش رهبری و بسیج‌گری انقلابی را برعهده داشته و در صورتی که آنان قیام کنند، مردم نیز به صف قیام‌کنندگان خواهند پیوست. این استراتژی به نتیجه رسید و در سال‌های بعد دو گروه از روحانیان به کمک امام شتافتند که نوعاً از شاگردان ایشان بودند: یک گروه کسانی بودند که ساواک از آنان به عنوان «روحانیان افراطی» یاد می‌کرد. این افراد به رغم داشتن فعالیت‌های علمی و عمدتاً شاگردی امام و دیگر مراجع قم، به لحاظ رفتار سیاسی عمل‌گرا بودند. بیشتر سال‌های جوانی خویش را بین زندان و تبعید و آزادی به سر می‌بردند و می‌کوشیدند تا ضمن مبارزه از اقداماتی که دیگر گروه‌های مذهبی داشتند حمایت کنند.

فعالیت این گروه از روحانیان بیشتر بر محور اقدامات امام و پذیرش رهبری ایشان بود. (جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی ... :250) از میان روحانیانی که در این زمینه فعال بودند می‌توان از آیت‌الله طالقانی، حجت‌الاسلام و المسلمین سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، آیت‌الله سعیدی، آیت‌الله غفاری، سیدعلی اندرزگو، آیت‌الله مفتاح، آیت‌الله محمدتقی جعفری، حجت‌الاسلام و المسلمین محمدجواد باهنر و دیگر روحانیان نام برد (حیدری خراجی، مطالعه توصیفی گفتمان‌های روحانیت در ... : 166)

گروه دوم مبارزان فرهنگی روحانیانی بودند که در عین مخالفت با رژیم و ارتباط نزدیک با روحانیان انقلابی کمتر به حوزه مبارزه آشکار سیاسی وارد می‌شدند و تمرکز فعالیت آنها متوجه مشکلات اجتماعی و آموزشی نهاد روحانیت بود. این روحانیان پس از سال 1344 نقطه ثقل فعالیتشان را روی تشریح مبانی فکری اسلام متمرکز کرده و به کارهای فرهنگی پرداختند. بنیادگذاری نهادهای فرهنگی - اسلامی، پاسخگویی به شبهات ضدین و مقابله با تبلیغات متجددین که وسایل ارتباط جمعی را در اختیار داشتند، همچنین تلاش فکری غیرمستقیم برای نامشروع نشان دادن حکومت پهلوی، از نکاتی بود که مورد توجه این گروه قرار داشت. (جعفریان، همان: 256) این گروه از روحانیان در بازشناسی و تبلیغ گفتمان ایثار و شهادت و تبیین پایه‌های علمی و دینی آن، نقش بسیار مؤثری داشتند، به طوری که مبانی دینی این گفتمان و تسری آن در بین آحاد مردم و جامعه، ناشی از اندیشه‌ورزی انقلابی این گروه بود. از نمایندگان این گروه می‌توان به آیت‌الله مطهری و آیت‌الله بهشتی اشاره کرد که هر دو بعد از انقلاب اسلامی به کاروان شهدای اندیشه پیوستند. (حیدری خراجی، همان: 168)

نتیجه آنکه این دو گروه از روحانیان، به‌عنوان مخاطبان گفتمان ایثار و شهادت امام خمینی علیه‌السلام، خود در تبلیغ گفتمان ایثار و شهادت و تبیین پایه‌های علمی و دینی آن برای مردم نقش بسیار مؤثری داشتند، به طوری که تسری آن بین آحاد مردم و جامعه ناشی از اندیشه‌ورزی انقلابی آنان بود.

2. دانشگاهیان

از دیگر مخاطبان گفتمان، دانشجویان و دانشگاهیان بودند. امام خمینی علیه السلام بارها در دیدارهای خود با دانشجویان و دانشگاهیان آنان را مورد خطاب قرار داده و می‌گفتند:

از حضرت سیدالشهداء علیه السلام خطبه‌ای نقل شده است که در آن خطبه علت قیام خودشان را برضد حکومت وقت ذکر فرموده‌اند و آن این است که فرموده‌اند خطاب به مردم که پیغمبر اکرم فرموده است: کسی که ببیند یک سلطان جائری حلال می‌شمرد حُرْمَتِ الله را، چیزهایی را که خداوند حرام کرده است این آزاد می‌گذارد و مخالف سنت رسول الله عمل می‌کند و عهد خدا را می‌شکند، اگر کسی دید یک سلطان جائری این کارها را می‌کند و معذک ساکت شد و تغییر نداد با قول خودش، با عمل خودش این انحرافی که سلطان جائر پیدا کرده است، تغییر نداد، خدای تبارک و تعالی حتم کرده است، حتم است بر او که این آدمی که ساکت شد در مقابل این سلطانی که حرمت احکام خدا را نگه نمی‌دارد، مخالف سنت رسول الله عمل می‌کند و عهد خدا را می‌شکند، این ساکت بشود در مقابل یک همچو سلطانی و قولاً و عملاً تغییر ندهد مسیر این سلطان جائر را، حتم است بر خدای تبارک و تعالی که جای او را هم، جای همان سلطان جائر در آخرت قرار بدهد. (امام خمینی، همان، ج 5: 191)

جنبش دانشجویی و دانشجویان در مسیر تحول تاریخی خود از یک ساختار نامنظم غیردینی و تأثیرپذیر از جریانات بیرونی دانشگاه به تدریج خارج شده و در ابتدای دهه چهل پس از رکود طولانی و بسنده کردن به بیانیه صرف بعد از کودتای سال 1332 به یک جنبش بدون تأثیرپذیری با استقلال نسبی تبدیل شد. در دهه 1340 سیر تحول جنبش از صبغه مذهبی و هماهنگی زیادی برخوردار نبود ولی صداقت و رهبری مدرن امام خمینی همراه با پاسخ‌گویی به نیازهای روز آنها و تلاش‌های فرهنگی روحانیان و متفکران مذهبی همچون شهید مطهری و دکتر شریعتی باعث شد که از دهه پنجاه به بعد همراه با طلاب و روحانیان و بازاریان، جزو بزرگترین مخاطبان گفتمان ایثار و شهادت در جریان انقلاب اسلامی شوند. نقطه نهایی این روند در 22 بهمن 1357 با پیروزی انقلاب اسلامی نمایان شد که

جنبش دانشجویی مسلمان و دانشجویان معتقد به انقلاب اسلامی یکی از ارکان اصلی آن بودند و در این راه شهدایی گلگون کفن را تقدیم انقلاب اسلامی کردند.

3. بازاریان

شواهد امر حاکی از آن است که اعتصاب بازار و درگیری‌های خیابانی در روزهای انقلاب نقشی اساسی در تداوم جریان انقلاب داشت. از آنجاکه بازار تهران مرکز اصلی تصمیم‌گیری‌ها و اطلاع‌رسانی بود، همه نگاه‌ها به این مکان دوخته شده بود. در واقع می‌توان گفت ستاد برنامه‌ریزی مبارزه در این مکان قرار داشت و تظاهرات و درگیری‌ها از این مکان هدایت می‌شد و برنامه‌هایی نظیر عیادت بازاریان از مجروحین قیام در بیمارستان‌ها و ارائه کمک‌های مالی به خانواده آنان نیز صورت می‌گرفت. ائتلاف نانوشتته‌ای که پس از قیام 15 خرداد سال 42 بین بازاریان و روحانیت، به‌ویژه امام خمینی علیه السلام ایجاد شده بود تا سال 1357 نیز ادامه یافت و منجر به قیام سراسری مردم ایران و سرنگونی رژیم شاه در 22 بهمن 57 و تشکیل جمهوری اسلامی شد. (روحبخش، نقش بازار در قیام 15 خرداد: 48 و 49)

باتوجه به زمینه‌های تاریخی مختلف که در اسناد و مدارک انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد، بازاریان و اصناف به تدریج به عنوان مخاطبان گفتمان ایثار و شهادت مطرح شدند و نخستین جرقه همکاری و همراهی آنان با روحانیت با کمک مالی و همراهی با جنبش ملی شدن صنعت نفت بود. در ادامه بعد از فراهم شدن زمینه ایجاد ارتباط بین بازار و روحانیت اوج فداکاری و همراهی بازاریان در قیام 15 خرداد بود که با هماهنگی و سازماندهی سایر مردم و با تعطیلی بازار زمینه اعتصابات و راهپیمایی‌ها را فراهم کرده و با تحسن در مساجد، مجالس و منابر و تکایا به عنوان مخاطبان گفتمان ایثار و شهادت مطرح شدند.

به این ترتیب بازاریان و اصناف یکی از مخاطبان اصلی و مستقیم گفتمان ایثار و شهادت بودند و با توجه به زمینه‌های مذهبی که در این دسته وجود داشت نقش مهمی

در ایجاد و گسترش این گفتمان در بین عامه مردم داشتند که این همه‌گیری قیام، عامل اصلی وحدت مردم با روحانیت و در نهایت، پیروزی انقلاب اسلامی بود.

4. توده مردم

مردم، مخاطبان اصلی گفتمان ایثار و شهادت بودند. امام خمینی علیه السلام در پیام‌های متعدد خود مردم عادی را خطاب قرار داده و آنان را به‌عنوان صاحبان اصلی دولت و کشور به‌صبر و ایثار و جهاد فراخوانده‌اند. به‌این ترتیب، گفتمان ایثار و شهادت در یک تعامل بنیادین بین مردم و امام به‌تدریج شکل اصلی خود را بازمی‌یافت. ایشان در پیامی خطاب به ملت ایران می‌فرمایند:

ملتی که برای اقامه عدل اسلامی و اجرای احکام قرآن مجید و کوتاه کردن دست جنایتکاران ابرقدرت و زیستن با استقلال و آزادی قیام نموده است، خود را برای شهادت و شهیددادن آماده نموده است و به‌خود باکی راه نمی‌دهد که دست جنایت ابرقدرت‌ها از آستین مشتی جنایتکار حرفه‌ای بیرون آید و بهترین فرزندان راستین او را به‌شهادت رساند. مگر شهادت ارثی نیست که از موالیان ما که حیات را عقیده و جهاد می‌دانستند و در راه مکتب پرافتخار اسلام با خون خود و جوانان عزیز خود از آن پاسداری می‌کردند، به‌ملت شهیدپرور ما رسیده است؟ مگر عزت و شرف و ارزشهای انسانی، گوهرهای گرانبهایی نیستند که اسلاف صالح این مکتب، عمر خود و یاران خود را در راه حراست و نگهبانی از آن وقف نمودند؟ (امام خمینی، همان، ج 15: 1)

به‌این ترتیب، امام خمینی علیه السلام راه رسیدن به‌عزت و شرف را ایستادگی و ایثار و شهادت ذکر می‌کنند و به‌این صورت، مؤلفه‌های اصلی گفتمان امام علیه السلام کم‌کم به‌همدیگر متصل شده و مفصل‌بندی گفتمان، شکل نهایی خود را پیدا می‌کند. ایشان در مورد انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی می‌گویند:

ملت ایران در این فاجعه بزرگ، 72 تن بیگناه به‌عدد شهدای کربلا از دست داد. ملت ایران سرافراز است که مردانی را به‌جامعه تقدیم می‌کند که خود را وقف خدمت به‌اسلام و مسلمین کرده بودند و دشمنان خلق، گروهی را شهید نمودند

که برای مشورت در مصالح کشور گرد هم آمده بودند ... ما گرچه دوستان و عزیزان وفاداری را از دست دادیم که هر یک برای ملت ستمدیده استوانه بسیار قوی و پشتوانه ارزشمند بودند، ما گرچه برادران بسیار متعهدی را از دست دادیم که «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» بودند و برای ملت مظلوم و نهادهای انقلابی سدی استوار و شجره‌ای ثمربخش به‌شمار می‌رفتند، لکن سیل خروشان خلق و امواج شکننده ملت با اتحاد و اتکال به‌خدای بزرگ هر کمبودی را جبران خواهد کرد (همان: 2)

امام خمینی علیه السلام در فراز مذکور، ایستادگی، شهادت و شکست ابرقدرت‌ها را به‌یکدیگر متصل می‌کند، و این همه در بستر تمثیل شهادت شهیدان دفتر حزب، به‌شهادت هفتادودوتن شهیدای کربلا شکل می‌گیرد. همان‌گونه که آنان در مقابل یزیدیان ایستادند و راست‌قامتان تاریخ شدند، ملت قهرمان نیز در مقابل ابرقدرت‌ها و تفاله‌های آنان به‌مانند بنیانی مرصوص می‌ایستند و همچون سیلی خروشان و امواجی شکننده، تا نهایت تاریخ به‌پیش خواهند رفت. به‌این ترتیب، مفصل‌بندی گفتمانی با این عبارات مثالی، به‌گفتمان ایثار و شهادت روح می‌بخشد و این گفتمان، در کلام امام و در خطاب به‌ملت شکل می‌گیرد.

منابع تولید گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی

گفتمان‌ها تولید می‌شوند و فرآیند خلق و تولید گفتمان‌ها نیازمند وجود منابع کافی برای تولید آنها و فضای اجتماعی مناسب برای رشد آنها است. تولید گفتمان‌ها نیازمند زمان، انرژی و دیگر انواع منابع است. این منابع می‌توانند منابع سیاسی یا منابع فرهنگی و یا تکنولوژی‌های ارتباطی باشد که با توجه به‌نوع گفتمان ما به‌منابع فرهنگی، یعنی سنت‌های مذهبی و جهت‌گیری‌های ارزشی گفتمان ایثار و شهادت خواهیم پرداخت. بر این اساس، منابع فرهنگی گفتمان ایثار و شهادت به سه دسته تقسیم می‌شود:

1. آموزه‌های مذهبی

تعالیم قرآن کریم مهم‌ترین و مقدس‌ترین منبع اعتقادی و ارزشی تأثیرگذار بر نگرش و

بینش و کنش مسلمین در طول تاریخ است. مجاهدان و شهیدان مسلمان یکی از دلایل اصلی حضور خود را در میادین رزم و شهادت اعتقاد به آیات قرآن و الهام از آن می‌دانند. در آیات مختلف قرآن کریم به آثار اجتماعی و اصلاحی و تعابیر مختلفی از جهاد و شهادت اشاره شده است. در فرهنگ دینی و قرآنی، ویژگی‌ها و شاخص‌های مختلفی وجود دارد که به‌عنوان باور افراد، منبع مهمی برای تحریک افراد به سمت ایثار و از خودگذشتگی و پیکار در راه خدا تلقی می‌شود. در همین راستا امام خمینی گفتمان خود را بر پایه و اساس آیات قرآنی بازسازی کردند:

ما گرچه برادران بسیار متعددی را از دست دادیم که «اشداء علی الکفار، رحماء بینهم» بودند و برای ملت مظلوم و نهادهای انقلابی سدهای استوار و شجره‌ای ثمربخش به‌شمار می‌رفتند، لکن سیل خروشان خلق و امواج شکننده ملت با اتحاد و اتکال به‌خدای بزرگ هر کمبودی را جبران خواهد کرد. ملت ایران با اعتماد به‌قدرت لایزال قادر متعال همچون دریایی موج به‌پیش می‌رود و در مقابل ابرقدرت‌ها و تفاله‌های آنان با «صفی مرصوص» ایستاده است و شما درماندگان عاجز را که در سوراخ‌ها خزیده‌اید و نفس‌های آخر را می‌کشید به‌جهنم می‌فرستد و خداوند بزرگ پشت و پناه این کشور و ملت است. (همان: 3)

امام در فرازی دیگر، صراحتاً قرآن مجید را به‌عنوان پایه و مایه اصلی و منطق گفتمان خویش عنوان می‌کنند و بیان می‌کنند که براساس مبانی قرآنی، شهادت به‌معنای بازگشت به‌خداوند است و شهادت به‌معنای نیستی و نابودی نیست و شهدا نزد رب خویش روزی می‌خورند. شهادت عنصر محرکه نهضت انقلابی است و باعث منسجم‌تر شدن هرچه بیشتر مردم می‌شود.

منطق ملت ما، منطق مؤمنین، منطق قرآن است: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» با این منطق، هیچ قدرتی نمی‌تواند مقابله کند. جمعیتی که - ملتی که - خود را از خدا می‌دانند و همه چیز خود را از خدا می‌دانند و رفتن از اینجا را به‌سوی محبوب خود، مطلوب خود می‌دانند، با این ملت نمی‌توانند مقابله کنند. آنکه شهادت را در آغوش، همچون عزیزی می‌پذیرد، آن کوردلان نمی‌توانند مقابله کنند. اینها یک اشتباه دارند و آن اینکه شناخت از اسلام و شناخت از ایمان و شناخت از ملت

اسلامی ما ندارند. آنها گمان می‌کنند که با ترور شخصیتها، ترور اشخاص، می‌توانند با این ملت مقابله کنند و ندیدند و کور بودند که ببینند که در هر موقعی که ما شهید دادیم ملت ما منسجمتر شد. (همان: 134)

روایات نقل شده از ائمه معصومین، دیگر منبع تولید گفتمان ایثار و شهادت از سوی امام خمینی علیه السلام بوده است و ایشان بارها در سخنان خویش به این روایات استناد کرده‌اند: از حضرت سیدالشهداء علیه السلام خطبه‌ای نقل شده است که در آن خطبه علت قیام خودشان را بر ضد حکومت وقت ذکر فرموده‌اند... (همان، ج 5: 191)

2. حادثه‌های مذهبی

شاید بزرگترین منبع فرهنگی گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و در فرآیند آن، حادثه عاشورای سال 61 هجری باشد که امام حسین علیه السلام و یارانش با هدف اصلاح امت به مقابله با یزید پرداختند. جریان پرشور و غریبانه عاشورا و جانبازی امام حسین علیه السلام و یارانش در تمامی مجالس، منابر و مساجد بارها در گفتمان ایثار و شهادت مورد استفاده امام علیه السلام قرار گرفته است. امام خمینی، شهادت شهید بهشتی و یارانش را با شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش مقایسه کرده و می‌گویند: «ملت ایران در این فاجعه بزرگ 72 تن بیگناه به عدد شهدای کربلا از دست داد». (همان، ج 15: 2)

به این ترتیب انقلاب اسلامی برپایه گفتمان ایثار و شهادت و بامحوریت حادثه عاشورا و مراسم اربعین شکل می‌گیرد. گویی حوادث انقلاب اسلامی همه‌وهمه براساس مفاهیم و مؤلفه‌های اساسی این گفتمان شکل گرفته و به پیش رفته‌اند. از همین روست که نقش امام خمینی علیه السلام را در انقلاب اسلامی به عنوان تولیدکننده اصلی گفتمان انقلابی نمی‌توان نادیده گرفت و تبیین‌هایی که چنین کرده‌اند، ناقص و فاقد اعتبارند.

کنش‌های ناشی از گفتمان ایثار و شهادت در انقلاب اسلامی

یکی دیگر از سؤال‌های نظریه این مقاله آن است که تولیدکنندگان چه کنشی را پیشنهاد

می‌کنند؟ در این قسمت کنش‌های ناشی از گفتمان ایثار و شهادت در دو حیطه سیاسی و فرهنگی بررسی می‌شوند.

1. کنش‌های سیاسی

کنش‌های سیاسی در فرآیند انقلاب اسلامی را می‌توان به دو صورت دسته بندی کرد:
الف) تظاهرات: این تظاهرات در دوران اوج‌گیری فعالیت انقلابی و از سال 56 به دنبال مقاله توهین‌آمیز به ساحت امام خمینی علیه السلام به صورت خیابانی آغاز شد. در سال 1357 با آغاز ماه رمضان، تعطیلی سالانه حوزه‌ها و عزیمت مبلغان و روحانیان جوان - که اینک عموماً سیاسی و حامل پیام انقلاب و مروج دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام بودند - به شهرها و روستاهای دور و نزدیک، جنبش انقلابی شدت مضاعفی یافت و دورترین مناطق کشور را در بر گرفته و حالتی توده‌ای پیدا کرد و در نهایت در مهر و آبان 57 بین کارمندان و ادارات دولتی به اعتصابات عمومی تبدیل شد.

ب) کنش‌های برانداز: این اقدامات را می‌توان در چند حیطه ارتباطی و بسیج توده‌ای، استفاده از مراسم‌های مختلف فرهنگ تشیع، ایجاد شکاف در نهادها و مقامات سیاسی رژیم، ناکارآمد ساختن دستگاه سرکوب رژیم و حمایت از نیروهای درگیر در انقلاب دسته‌بندی کرد.

2. کنش‌های فرهنگی

کنش فرهنگی به عنوان یکی دیگر از کنش‌های ناشی از گفتمان ایثار و شهادت، زمینه‌ساز کنش‌های سیاسی بوده و عمدتاً توسط روحانیان و روشنفکران مذهبی انجام می‌شد. این کنش‌ها زمینه جذب مردم را به رفتارهای ایثارگرانه فراهم کرده و آنها را در مقابل رژیم پهلوی قرار می‌داد. این کنش‌ها عبارت بود از:
الف) انتشار کتاب و نشریه: در سال‌های قبل از قیام 15 خرداد 1342 نوگرایی دینی، توأم با خلوص و تلاش در جهت حفظ اصالت دین، از طرف روحانیت وسعت گرفت. در

این میان می‌توان به‌نشریاتی اشاره کرد که هدف آنها عمدتاً ارائه بدیلی دربرابر سیل فساد اخلاقی، بی‌دینی و روحیهٔ مال‌پرستی که بر جامعهٔ ایران و به‌ویژه جوانان آن مستولی شده بود، قلمداد می‌شد. در این زمینه در ادامه جریان انقلاب می‌توان از کتاب‌های مختلفی یاد کرد که زمینه‌های کنش سیاسی انقلابیان، روحانیان و دانشگاهیان را فراهم کرد که از جمله آنها آثار امام‌خمينی رهبر، شهید مطهری و دکتر شریعتی می‌باشد.

ب) **وعظ و خطابه:** در مبارزات مقابل استبداد داخلی یا استعمار خارجی، وعظ با سخنرانی‌های مهیج خود مردم را آگاه ساخته و آنها را برای مبارزه هدایت می‌کردند. این وعظ و خطابه‌ها در واقع کنش‌های فرهنگی بودند که ضمن تحریک مخاطبان موجب استمرار گفتمان ایثار و شهادت در بستر زمان بوده‌اند. از افراد مختلفی که در وعظ و خطابه فعال بودند، می‌توان حضرت امام‌خمينی رهبر، شهید مطهری، دکتر شریعتی و مرحوم فلسفی را نام برد.

ج) **تجلیل و بزرگداشت شهدا:** وقایع و اتفاقات مختلف و متعدد در انقلاب اسلامی یکی از جنبه‌ها و عرصه‌های تجلی عینی گفتمان ایثار و شهادت است. تمجید و تجلیل و بزرگداشت شهدا موجب نهادینه‌شدن و درواقع همه‌گیرشدن گفتمان ایثار و شهادت می‌شد و شاید یکی از اصلی‌ترین جنبه‌ها و عرصه‌های تجلی عینی گفتمان ایثار و شهادت بود. در این وقایع مختلف، می‌توان پیوستگی و تداوم را به‌عنوان ویژگی اصلی مطرح کرد. در اربعین شهدای قم و یزد و تبریز این تداوم و پیوستگی کاملاً مشخص است و این تداوم و پیوستگی که شاید بتوان گفت اصلی‌ترین ویژگی وقایع انقلابی در انقلاب اسلامی می‌باشد موجب به‌صحنه آوردن مخاطبان متعدد از اقصای گوناگون در فرآیند انقلاب اسلامی شد.

نتیجه

در این مقاله به چگونگی ساخته شدن گفتمان ایثار و شهادت و مؤلفه‌های اساسی آن پرداخته شد. سؤال اساسی بحث، توصیف مؤلفه‌های گفتمان ایثار و شهادت بود که بر اساس چارچوب نظری ون‌دایک و روبرت و سنو، با استفاده از روش تحلیل گفتمان مؤلفه‌های اساسی گفتمان ایثار و شهادت، مشخص شدند. این مؤلفه‌ها عبارتند از تولیدکنندگان، مخاطبان، منابع فرهنگی، موضوع و کنش‌های ناشی از گفتمان ایثار و شهادت.

در پاسخ به سؤال چه کسانی سخن می‌گویند و در باره چه سخن می‌گویند؟ تولیدکنندگان گفتمان ایثار و شهادت که امام خمینی علیه السلام و شهید مطهری و دکتر شریعتی بودند، مشخص شده و موضوع سخنان آنان تبیین شد. در پاسخ به سؤال تولیدکنندگان در برابر چه کسانی سخن می‌گویند، مخاطبان ایثار و شهادت معین شدند. این مخاطبان شامل روحانیان، اساتید، دانشجویان و بازاریان و توده مردم بودند. در پاسخ به سؤال منابع تولید گفتمان کدامند، قرآن کریم و احادیث و روایات در سیره بزرگان دینی به‌علاوه منابع زمانی همچون قیام عاشورا مورد بررسی قرار گرفتند. در ادامه به کنش‌های ناشی از گفتمان ایثار و شهادت در فرآیند انقلاب اسلامی در دو حیطه سیاسی و فرهنگی پرداخته و تظاهرات و اعتصابات و کنش‌های برانداز را به‌عنوان کنش‌های سیاسی و انتشار کتاب و نشریه، وعظ و خطابه و تجلیل از مقام شهدا و بزرگداشت آنها، به‌عنوان کنش‌های فرهنگی زمینه‌ساز کنش‌های سیاسی مطرح شدند.

بر اساس مفاهیم و مطالب مطرح شده در این مقاله می‌توان گفت که تولیدکنندگان گفتمان ایثار و شهادت براساس منابع فرهنگی گفتمان و با بازسازی و بازتفسیر موضوعات این گفتمان، مفاهیم مربوط به ایثار و شهادت را بازتعریف کرده و به‌صورت یک گفتمان مبارز انقلابی به مخاطبان خود عرضه کردند.

براساس این بازسازی و بازتعریف و تفسیر مجدد و انقلابی از گفتمان ایثار و شهادت که تولیدکنندگان با استفاده از کنش‌های فرهنگی انجام می‌دادند، مخاطبان تحت تأثیر

قرار گرفته و با دست‌زدن به کنش‌های سیاسی همچون راهپیمایی و اعتراض و اعتصاب، رژیم پهلوی را به‌زانو درآوردند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

فارسی

1. اسکاچپل، تدا، *حکومت تحصیل‌دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران*، ترجمه محسن امین‌زاده، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، 1377.
2. جعفریان، رسول، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی در ایران (از روی کارآمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی) سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1385.
3. جوادی‌آملی، عبدالله، *عرفان و حماسه*، تهران، نشر رجا، 1373.
4. حقدار، علی‌اصغر، *گفتمان فرهنگی خاتمی*، تهران، شفيعی، 1378.
5. حیدری‌خراجی، مهدی، *مطالعه توصیفی گفتمان‌های روحانیت در فرایند انقلاب اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام‌خمينی و انقلاب اسلامی، 1386.
6. درخشه، جلال، *تحول اندیشه سیاسی علمای شیعه در ایران بین سال‌های 1357 - 1320*، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، 1379.
7. دلاوری، ابولفضل، *طرحی برای مطالعه زمینه‌ها و علل اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی ایران*، راهبرد، شماره 9، 1375.
8. روحبخش، رحیم، *نقش بازار در قیام 15 خرداد*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1381.
9. سمتی، محمدهادی، *نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی ایران*، تهران، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره 35، 1375.
10. شاعری، محمدحسین، *جامعه‌شناسی شهادت‌طلبی و انگیزه‌های شهیدان*، تهران، نشر شاهد، 1381.
11. شریعتی، علی، *حسین وارث آدم و بحثی راجع به شهید*، تهران، انتشارات قم، 1361.
12. شهریوی، شهروز، *شهید و شهادت از دیدگاه شهید مطهری*، قم، نجابت، 1385.
13. صادقیان، سندس، *نامه‌های جاودانه وصیت‌نامه‌ها به‌عنوان یک قالب نوشتاری*، *مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایشار و شهادت*، اصفهان، دانشگاه اصفهان، 1387.

14. عنایت، حمید، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی، 1362.
15. فوکو، میشل، *ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند*، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران، هرمس، 1377.
16. لوبون، گوستاو، *تاریخ تمدن اسلام و عرب*، ترجمه علی اسدی، تهران، انتشارات علمی، 1344.
17. مطهری، مرتضی، *قیام و انقلاب مهدی* علیه السلام به‌ضمیمه شهید، قم، صدرا، 1367.
18. مکارم‌شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، جلد 25، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1384.
19. مهرآئین، مصطفی، *شرایط تولید فرهنگ: ریشه‌های مدرن‌نسیم اسلامی در هند، مصر و ایران*، رساله دکتری جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، 1386.
20. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی، *ایثار و شهادت در مکتب امام‌خمينی*، تهران، 1385.
21. موسوی‌خمينی، سیدروح‌الله (امام)، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی، 1379.
22. ون‌دایک، تئون ای، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی*، گروه مترجمان پیروز ای‌زدی و دیگران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، 1382.

انگلیسی

23. Wuthnow, Robert, ***Communities of Discourse: Ideology and social structure in the reformation the Englishtenment***, And European socialism (Cambridge: HavardUniversity Press, 1989).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی